



# مقدمه حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

- رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تأکید بر حقوق ایران  
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی  
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه  
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری  
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری  
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی  
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی  
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی  
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی  
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری  
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران  
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی  
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان  
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی  
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی  
نرگس ابوالمعصومی  
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری  
محبوبه طالبی رستمی  
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران  
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده  
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین  
مسعود اکبری  
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه  
سعید جوهر  
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات  
مهسا محمودی  
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی  
امین رضا بهار فلامرزی  
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع  
علی اصغر عسگری  
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)  
وحید کیومرثی  
زیاله‌های قضایی در حقوق بین الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی  
مهدی قره داغی  
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن  
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی  
مسئولیت بین المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی  
سپیده احمدیان فرد  
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا  
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی  
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران  
ایوب رحیمی  
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)  
حسین اکبرپا  
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی  
محمدرضا افراسیابی  
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین المللی در مبارزه با فساد بانکی  
سیدبهمن اکبری  
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین الملل  
مهدی رضایی اسرمی  
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی  
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



## Green Victimology and Non-Human Victims

## بزه‌دیده‌شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی

**Rob White**

Professor, School of Social Sciences, University of Tasmania, Tasmania, Australia

**راب وایت**  
پرفسور دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تاسمانی، تاسمانی، استرالیا  
r.d.white@utas.edu.au

**Amin Hajivand**

Postdoctoral Researcher in Criminal Law and Criminology, Visiting Lecturer in Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Translator)

**امین حاجی وند**  
پژوهشگر پسادکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس مدعو حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (مترجم مسئول)  
am.hajivand@mail.um.ac.ir  
<http://orcid.org/0000-0002-3451-9631>

**Amirhossein Khorashadi Zadeh**

Bachelor of Law Student, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

**امیرحسین خراشادی زاده**  
دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
khorashadzadeham@gmail.com

**Mohammad Javad Mirzayi**

Bachelor of Law Student, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

**محمدجواد میرزایی**  
دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
mirzayyi@um.ac.ir

### Abstract

This research examines the tensions and interactions between human and non-human environmental victims from an indigenous justice perspective. The research begins by outlining the general outlines of victimology as a new field of intellectual engagement. Human victims of environmental harm are not widely recognized as victims of 'crime'. Moreover, within the category, 'victim', the non-human environmental victim is seldom considered worthy of attention. From the perspective of indigenous justice, victimization can be understood within the framework of environmental justice (in which the victim is a human), ecological justice (in which the victim is a specific environment), and species justice (in which the victim is an animal or plant). A hierarchy of victims can be identified between and within each of these categories. One response to this hierarchy is to emphasize the concept of equal victimhood (the idea that all species should be considered equal or that the natural environment is valuable in itself). However, the eco-justice approach adopted in this article argues that context (both social and ecological) is vital to understanding and responding to specific instances of environmental victimization. Particular circumstances must be taken into account in the conceptualizations of victimization and in the moral weighing up of interests and harms in any given situation.

**Keywords:** Non-Human Environmental Victims, Eco-justice, Hierarchy of Victims, Environmental Victimization.

### چکیده

این پژوهش به بررسی تنش‌ها و تعاملات بین بزه‌دیدگان انسانی و غیرانسانی محیط‌زیستی از دیدگاه عدالت بومی می‌پردازد. پژوهش با ترسیم خطوط کلی بزه‌دیده‌شناسی به‌عنوان حوزه‌ای جدید از تعامل فکری آغاز می‌شود. بزه‌دیدگان انسانی آسیب‌های محیط‌زیستی عمدتاً تحت عنوان بزه‌دیدگان جرم شناخته نمی‌شوند. در دسته‌بندی جرم نیز، بزه‌دیدگان غیرانسانی به‌ندرت مورد توجه قرار می‌گیرند. از دیدگاه عدالت بومی، بزه‌دیدگی می‌تواند در چهارچوب عدالت محیط‌زیستی (که در آن بزه‌دیده انسان است)، عدالت بوم‌شناختی (که در آن بزه‌دیده محیط‌های خاص هستند) و عدالت گونه‌ای (که در آن بزه‌دیده حیوانات و گیاهان هستند) مفهوم پیدا کند. سلسله‌مراتب بزه‌دیدگان میان و درون هر یک از این دسته‌ها قابلیت شناسایی دارد. یک پاسخ به این سلسله‌مراتب، تأکید بر مفهوم برابری بزه‌دیدگی است (بر اساس این ایده، همه گونه‌ها باید برابر در نظر گرفته شوند یا اینکه محیط طبیعی فی‌نفسه ارزشمند است). با این وجود، رویکرد عدالت بومی استفاده شده در این پژوهش بیان می‌کند که بستر (هم اجتماعی و هم بوم‌شناختی) برای درک و پاسخ به موارد خاص بزه‌دیدگی محیط‌زیستی ضروری است. شرایط خاص در مفهوم‌سازی بزه‌دیدگی و در ارزیابی اخلاقی منافع و آسیب‌ها در هر موقعیت خاص باید در نظر گرفته شود.

**واژگان کلیدی:** بزه‌دیدگان غیرانسانی محیط‌زیستی، عدالت بومی، سلسله‌مراتب بزه‌دیدگان، بزه‌دیدگی محیط‌زیستی.

Received: 2025/07/17 - Review: 2025/07/31 - Accepted: 2025/09/04

در یافتن مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

ارجاع:

وایت، راب؛ (۱۴۰۴)، بزهدیده‌شناسی سبز و بزهدیدگان غیرانسانی، ترجمه امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده و محمدجواد میرزایی، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



### پیشگفتار مترجمین

این پژوهش یکی از آثار بسیار مهم پرفسور راب وایت؛ استاد ممتاز دانشگاه تاسمانی استرالیا است که در زمینه حقوق محیط زیست آثار ارزشمند متعددی دارند. از منظر عدالت زیست محیطی، بی‌عدالتی‌ها در حوزه‌های متفاوت آن در عین متنوع بودن دارای شکاف‌های زیادی است. عدالت زیست محیطی توجه ما را بر مشکلاتی متمرکز می‌کند که جوامع انسانی در برخورد با محیط‌های آلوده و قربانی شدن نابرابر مرتبط با تغییرات آب و هوایی تجربه می‌کنند. عدالت زیست محیطی از نابودی محیط‌های طبیعی خاص به دلیل فعالیت‌های انسانی صحبت می‌کند که خطرات ناشی از رهاسازی پلاستیک در اقیانوس‌ها نمونه‌ای است که حکایت از این امر دارد.

عدالت گونه‌ها مستلزم به رسمیت شناختن وضعیت شکننده حیوانات و گیاهان در دنیای ناپایداری است که همواره در آن شاهد تخریب محیط زیست و تخریب زیستگاه‌ها هستیم. تهدیدها، خطرات، آسیب‌ها و بی‌عدالتی‌ها در مرکز تلاش‌های هنجاری قرار دارند تا جهان را به مکانی امن‌تر و بهتر برای زندگی و شکوفایی تبدیل کنند. تحولات در گستره حقوق محیط‌زیست نشان‌دهنده اهمیتی است که به رفاه زیست محیطی داده شده است. در سرتاسر جهان، تلاش‌های هماهنگی برای تقویت قوانین و مقرراتی وجود دارد که از گونه‌ها، اکوسیستم‌ها و جوامع در مواجهه با تخریب گسترده محیط‌زیست محافظت می‌کنند.

اقداماتی در سطوح محلی، داخلی و بین‌المللی برای پرداختن به آسیب‌های زیست محیطی و مقابله با

آن دسته از فعالیت‌ها و متخلفانی که چنین آسیب‌هایی را ایجاد و تداوم می‌دهند، در حال انجام است. دامنه موضوعات و میزان آسیب‌ها به این معنا است که باید ظرفیت‌های حقوقی را گسترش داد و مفاهیم جدید حقوقی را بر آن افزود. ایجاد دادگاه‌های اختصاصی محیط‌زیست با پرسنل متخصص، از طریق اعمال حق‌های قانونی جدید (مانند حق بر داشتن محیط زیست سالم و حق بر طبیعت) ضروری است. تحلیل انتقادی از محدودیت‌های قوانین موجود و تفکر خلاق در مورد بهترین راه برای پیشبرد عدالت اجتماعی و زیست‌محیطی، در این فرایند حیاتی است. مفاهیمی مانند اکوساید، آلوده‌کننده پرداخت‌کننده، اصل احتیاط و عدالت ترمیمی زیست‌محیطی باید به تفصیل توضیح داده شود و به قوانین و دادرسی‌های عادی کیفری و مدنی تبدیل شود.

بزه‌دیدگان غیر انسانی از مهم‌ترین مباحث حوزه بزه‌دیدة‌شناسی سبز است (وایت، ۱۴۰۳، ۱)؛ از این رو مترجمین بر آن شدند تا با نهایت تلاش خود ترجمه این اثر را بر عهده گیرند تا الهام بخش آثار بومی شده در نظام حقوقی ایران باشد. پرفسور راب وایت علاوه بر اجازه ترجمه این اثر، بر مترجمین منت نهادند و دیباچه مختصری را نیز مرقوم فرمودند که در ذیل آمده است.

### دیباچه پرفسور راب وایت بر ترجمه حاضر

دیباچه قصد دارد بحران‌های جهانی مؤثر بر محیط زیست، از جمله تغییرات اقلیمی، انقراض گونه‌ها و آلودگی هوا، زمین و آب را برجسته کند. در پاسخ، نیاز به قوانین زیست‌محیطی قوی‌تر و توسعه مفاهیم حقوقی جدید وجود دارد که رفاه اکولوژیکی و اجتماعی را محافظت و بهبود بخشد. نوآوری در قانون در ایران، مانند هر کشور دیگری در سراسر جهان، به شدت مورد نیاز است. آینده ما به آن چه اکنون برای پیشگیری و ترمیم آسیب‌های مؤثر بر مناظر، حیوانات، گیاهان، سیستم‌های آب شیرین و جو خود انجام می‌دهیم بستگی دارد. از امین حاجی وند عزیز و دانشجویانش از بابت ترجمه این مقاله متشکرم و خوشحال هستم که ترجمه این آثار را بر عهده می‌گیرند.<sup>۱</sup>

۱- The Foreword is intended to highlight the global crises affecting the environment, which include climate change, species extinction, and air, land and water pollution. In response, there is a need for stronger environmental laws and the development of new legal concepts that will protect and improve ecological and social wellbeing. Innovation in law is urgently needed in Iran as it is in every country around the world. Our future depends on what we do, now, to prevent and repair the harms affecting our landscapes, animals, plants, freshwater systems, and atmosphere. I would like

## مقدمه

بزه‌دیده‌شناسی سبز یا محیط‌زیستی به مطالعه فرایندهای اجتماعی و واکنش‌های سازمانی وابسته به بزه‌دیدگان جرایم محیط‌زیستی اشاره دارد (وایت، ۲۰۱۵). معمولاً انسان‌ها تمرکز اصلی این گونه مطالعات هستند (هال، ۲۰۱۳). با این وجود، همان‌طور که در این پژوهش بررسی شده است، موجودات غیرانسانی مانند درختان، رودخانه‌ها و حیوانات هم می‌توانند به‌عنوان بزه‌دیدگان آسیب‌های محیط‌زیستی در نظر گرفته شوند و پژوهش حاضر قصد بررسی این گروه از بزه‌دیدگان را دارد.

این پژوهش به بررسی تنش‌ها و تعاملات بین بزه‌دیدگان انسانی و غیرانسانی محیط‌زیستی از دیدگاه عدالت بومی می‌پردازد. سه هدف به‌طور خاص دنبال می‌شود: نخست برجسته کردن حالت بزه‌دیدگی موجودات غیرانسانی به‌عنوان حیطه‌ای نوظهور و مهم در جرم‌شناسی سبز به‌طور خاص و بزه‌دیده‌شناسی به‌طور عام. سپس در نظر گرفتن موقعیت موجودات غیرانسانی در سلسله‌مراتب بزه‌دیدگی. در آخر نقد مفهوم برابری بزه‌دیدگی برای موجودات انسانی و غیرانسانی از طریق در نظر گرفتن مشکلات موقعیت‌های مخصوص.

پژوهش با ترسیم خطوط کلی بزه‌دیده‌شناسی به‌عنوان حوزه‌ای جدید از تعامل فکری آغاز می‌شود. تازگی این حیطه تحقیقاتی در این است که بزه‌دیدگان انسانی آسیب‌های محیط‌زیستی خود عمدتاً بزه‌دیده جرم شناخته نمی‌شوند و همچنین درون دسته‌بندی بزه‌دیدگی محیط‌زیستی، موجودات غیرانسانی به‌ندرت در نظر گرفته می‌شوند. کمبود نسبی توجه و واکنش رسمی به هر دو دسته از بزه‌دیدگان خود بر روابط پیچیده قدرت، کنترل و منفعت دلالت دارد.

از منظر عدالت بومی (وایت، ۲۰۱۳)، بزه‌دیدگی در چهارچوب سه حوزه مشترک عدالت و بزه‌دیدگی می‌تواند مفهوم داشته باشد: عدالت محیط‌زیستی (که در آن بزه‌دیده انسان است)؛ عدالت بوم‌شناختی (که در آن بزه‌دیده محیط‌های خاص هستند)؛ و عدالت گونه‌ای (که در آن بزه‌دیده حیوانات و گیاهان هستند). در این ساختار، هر کس یا هر چیزی که قربانی می‌شود مهم است، همان‌طور که دلایل آن‌هایی که آسیب دیده‌اند بزه‌دیده در نظر گرفته می‌شوند یا خیر، اهمیت دارد. این موضوع یکی از

مفاهیم اصلی پژوهش حاضر است و در ادامه مورد بحث قرار گرفته شده است.

سلسله‌مراتب بزه‌دیدگان میان و درون هر یک از این دسته‌ها قابلیت شناسایی دارد. یک پاسخ به این سلسله‌مراتب، تأکید بر مفهوم برابری بزه‌دیدگی است (بر اساس این ایده، همه گونه‌ها باید برابر در نظر شوند یا اینکه محیط طبیعی فی‌نفسه ارزشمند است). با این وجود، رویکرد عدالت بومی استفاده شده در این پژوهش بیان می‌کند که بستر (هم اجتماعی و هم بوم‌شناختی) برای درک و پاسخ به موارد خاص بزه‌دیدگی محیط‌زیستی ضروری است. شرایط خاص در مفهوم‌سازی بزه‌دیدگی و در ارزیابی اخلاقی منافع و آسیب‌ها در هر موقعیت خاص باید در نظر گرفته شوند.

### ۱- موجودات غیر انسانی به‌عنوان بزه‌دیدگان محیط‌زیستی

آسیب‌های محیط‌زیستی از گذشته از نظر اجتماعی و حقوقی نادیده گرفته شده، کم اهمیت جلوه داده شده یا مبتذل شمرده شده‌اند و در نتیجه، بزه‌دیدگان آن نیز بدین شکل بوده‌اند (هال، ۲۰۱۳) و (وایت و هکنبرگ، ۲۰۱۴). برای مثال در گزارشی که خطوط کلی جرم و بزه‌دیدگی محیط‌زیستی را معین می‌کند مشاهده می‌کند که «از نظر تاریخی تحقیقات در مورد جرایم محیط‌زیستی نسبت به سایر جرایم سنتی فاقد عمق نظری و روش‌شناختی بوده است». بخشی از این مسئله ناشی از این پیش‌فرض است که جرم محیط‌زیستی فاقد بزه‌دیده است یعنی «همیشه نتیجه فوری ایجاد نمی‌کنند، آسیب ممکن است پراکنده باشد یا برای مدت طولانی کشف نشود» (اسکینیدر، ۲۰۱۱، ۲).

در ادامه این موضوع با اغماض فعالیت‌های زیان‌آور محیط‌زیستی توسط دولت‌ها، صنعت و در برخی موارد، جوامع خاص و کل جامعه ترکیب می‌شود. در نتیجه، «بزه‌دیدگان آسیب‌های محیط‌زیستی عمدتاً به‌عنوان بزه‌دیدگان جرم شناخته نمی‌شوند و بنابراین از دیدگاه سنتی بزه‌دیده‌شناسی که عمدتاً بر ساختارهای متداول جرم مبتنی است، کنار گذاشته می‌شوند» (اسکینیدر، ۲۰۱۱، ۲). علاوه بر این، بزه‌دیدگی محیط‌زیستی فقط تجربه‌ای انسانی نیست. برای مثال، تفسیرهای اخیر جرم‌شناسی به حیوانات غیر انسانی به‌عنوان بزه‌دیده توجه کرده‌اند. درحالی‌که اذعان دارند که در قانون، در اکثر حوزه‌های قضایی، حیوانات غیر انسانی نمی‌توانند به‌عنوان بزه‌دیدگان جرم طبقه‌بندی شوند (فلین و هال، ۲۰۱۷).

این پژوهش به‌طور کلی رویکرد آسیب‌های اجتماعی را برای تعریف بزه‌دیدگی پذیرفته است

(پمبرتون، ۲۰۱۶) که گاهی به آن آسیب اجتماعی‌شناسی گفته می‌شود (هیلارد و تومبیز، ۲۰۰۷) و ادعا می‌کند که تعاریف قانونی بیش از حد محدود هستند و نمی‌توانند اقسام مهم آسیب را به رسمیت بشناسند؛ بنابراین، مطالعه‌ای مخصوص ناظر به نحوه ساخت اجتماعی و حقوقی آسیب به حیوانات غیرانسانی در شرایط خاص صورت گرفته است (سولوند، ۲۰۱۷).

آنچه یک آسیب اجتماعی را اجتماعی می‌کند این است که از علل طبیعی ناشی نمی‌شود، بلکه ذاتاً توسط انسان‌ها ایجاد می‌شود. با این حال، در حالی که آسیب اجتماعی عمدتاً بر اساس نیازها، حقوق و رفاه انسان تعریف می‌شود (پمبرتون، ۲۰۱۶)، جرم‌شناسی سبز به عنصر غیرانسانی و انسانی توجه داشته است (وایت، ۲۰۱۳). این امر فراتر از صرفاً در نظر گرفتن اضافی حیوانات غیرانسانی به عنوان بزه دیده است. برای مثال رودخانه‌ها، کوه‌ها، حیوانات، گیاهان و اکوسیستم‌های خاص همه می‌توانند در شرایط خاص به عنوان بزه دیده در نظر گرفته شوند (کولینان، ۲۰۰۳) و (پرستون، ۲۰۱۱).

تعاریف گسترده‌تر از حقوق و عدالت بی‌شک تعریف بزه دیده را گسترش می‌دهند که غیرانسان را در حوزه‌های مفهومی مختلف شامل می‌شود. دیدگاه عدالت بومی آن را در قالب موضوع یا شیء خاصی که آسیب دیده است، چهارچوب بندی می‌کند (وایت، ۲۰۱۳): عدالت محیط‌زیستی - بزه دیده انسان‌ها هستند. حقوق محیط‌زیستی در مقام گسترش حقوق انسانی یا اجتماعی به نظر می‌آیند تا کیفیت زندگی انسان را در حال حاضر و آینده بهبود بخشند؛ عدالت بوم‌شناختی - بزه دیده محیط‌های خاص هستند. انسان‌ها تنها یکی از عناصر اکوسیستم‌های پیچیده هستند که باید به خاطر خودشان حفظ شوند؛ عدالت گونه‌ای - بزه دیده حیوانات و گیاهان هستند. حیوانات حق ذاتی دارند که تحت آزار نباشد و گیاهان حق دارند که از تخریب زیستگاه به حدی که تنوع زیستی را تهدید کند، رنج نبرند.

بنابراین، تحقیقات در مورد جرایم محیط‌زیستی و بزه‌دیدگان جرایم محیط‌زیستی نه تنها باید با بی‌علاقگی نسبی به این حوزه مقابله کنند، بلکه باید با پیچیدگی‌هایی که وقتی عدالت محیط‌زیستی، بوم‌شناختی و گونه‌ای سرانجام جدی گرفته می‌شوند، به وجود می‌آیند نیز مقابله کنند. بزه‌دیدگی محیط‌زیستی به اشکال مختلف رخ می‌دهد و در مکان‌های متنوع اتفاق می‌افتد. این پدیده متداولی است، اگرچه تفاوت‌های کیفی مهمی در رابطه با ماهیت، پویایی و جدیت آسیب‌ها در مورد حیوانات غیرانسانی، اکوسیستم‌ها، گونه‌های گیاهی و جمعیت‌های انسانی وجود دارد.

مفسرانی مانند استون در سا ۱۹۷۲ میلادی از اصطلاح شیء طبیعی برای وصف موجودات غیرزنده مانند رودخانه‌ها، کوه‌ها و اقیانوس‌ها استفاده کرده‌اند. جانوران یا حیات حیوانی معمولاً از طریق استفاده از اصطلاح حیوانی به کار گرفته می‌شوند که می‌توان آن را به دسته‌های مختلفی از جمله «حیات وحش بومی» و «گونه‌های در معرض خطر» تقسیم کرد، درحالی‌که حیات گیاهی معمولاً ذیل گروه بزرگ پوشش گیاهی به کار می‌رود (بیتس، ۲۰۱۳) و (سانکوف و وایت، ۲۰۰۹).

اکوسیستم‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی مهم به‌عنوان «مجموعه‌ای فعال از جوامع گیاهی، حیوانی و میکروارگانیسم‌ها و محیط غیرزنده آن‌ها که به‌عنوان یک واحد عملی تعامل دارند» تعریف شده‌اند (دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی، ۱۹۹۲). در مجموع، این موجودات آن‌چه را که به‌عنوان موجودات محیط‌زیستی غیرانسانی می‌توان توصیف کرد، تشکیل می‌دهند. برای مثال اشیاء طبیعی، درختان و جنگل‌ها از نظر تاریخی فاقد حقوق قانونی بوده‌اند و در نتیجه همین امر فاقد نمایندگی و اراده حقوقی شناخته شده است. برخی استدلال می‌کنند که منافع ذاتی اشیاء طبیعی باید از طریق اقدامات حقوقی توسط خود اشیاء، به وسیله انسان‌ها به‌عنوان قیم یا متولی آن‌ها، حمایت شود (کولینان، ۲۰۰۳) و (استون، ۱۹۷۲).

در نظر گرفتن موجود غیرانسانی محیط‌زیستی مشمول بحث‌هایی در درجه‌های گوناگون، از ویژگی‌های منظره فردی و موجودات زنده خاص تا اکوسیستم‌های خاص است. هر اکوسیستم از عناصر غیرزنده (هوا، آب، خاک، اتم‌ها و مولکول‌ها) و عناصر زنده (گیاهان، حیوانات، باکتری‌ها و قارچ‌ها) تشکیل شده است (مرچنت، ۲۰۰۵). هنگامی که تخریب، تنزل یا تقلیل این موارد به نحوی که در حقوق محیط‌زیست جرم تلقی می‌شود اتفاق بیفتد، می‌توان گفت که آسیب رخ داده است. این به مواردی اشاره دارد که گیاهان و جانوران و زیستگاه‌ها و مناظری که قسمتی از آن‌ها هستند، از نظر حقوقی به واسطه فعل و ترک فعل‌های خاص، همان‌طور که در قانون مخصوص آمده است، آسیب‌دیده در نظر گرفته می‌شوند.

نه تنها قوانین و دادگاه‌های محیط‌زیستی فی‌نفسه با جرایم محیط‌زیستی درگیر نیستند، بلکه همه آسیب‌هایی که به موجودات غیرانسانی محیط‌زیستی وارد می‌شوند، ذاتاً جرم شناخته نمی‌شوند. در مورد جرایم بومی و آسیب‌های محیط‌زیستی کج‌رفتاری آن‌گونه که توسط نهادهای تنظیمی و عدالت کیفری مکرراً تعریف شده است، اغلب به انحراف از استانداردهای معین و مقررات مجوزدهی اشاره دارد. همان‌طور که بریکتل در سال ۲۰۱۰ میلادی اشاره می‌کند، برچسب جرم محیط‌زیستی معمولاً برای



رفتارهای مشخصی استفاده می‌شود که در غیر این صورت قانونی یا دارای مجوز هستند، مانند ماهیگیری غیرقانونی، شکار غیرقانونی و قطع غیرقانونی درختان. این معیار (یعنی معیاری مبتنی بر استانداردها، کمیت‌ها و سهمیه‌ها) به مراقبت از حیات وحش به اندازه سطوح آلودگی، توسعه پیدا می‌کند.

یک ملاحظه مهم در مورد آسیبی که موجودات غیرانسانی محیط‌زیستی متحمل می‌شوند، میزانی است که این موجودات بر مبنای ارزش ذاتی خود از حمایت قانونی برخوردار هستند و می‌توانند و باید باشند. قابل توجه است که در برخی موارد ناظر به آسیب به موجودات غیرانسانی، بزه‌دیدگان نیابتی که به‌عنوان نماینده جامعه متاثر (از جمله آسیب‌ها به گروه‌های زیستی خاص و محیط‌های غیرزنده) شناخته می‌شوند، توسط دادگاه خاصی جهت اهداف فرایندهای ترمیمی و درمانی پذیرفته شده‌اند. برای مثال، یک رودخانه در کنفرانس عدالت ترمیمی در نیوزیلند به نمایندگی رئیس انجمن بهبود رودخانه پایین‌تر وایکاتو مطرح شد و به صورت کلی، محیط‌زیست در قانون نیوزیلند و رویه قضایی دادگاه محیط‌زیست به‌عنوان بزه‌دیده تلقی می‌شود (همیلتون، ۲۰۰۸، ۲۰۱۴).

دادخواهی محیط‌زیستی در راستای منافع عمومی نیز برای معرفی نسل‌های آینده به‌عنوان بزه‌دیدگان جرایم محیط‌زیستی استفاده شده است که بزه‌دیدگان شامل محیط‌زیست و جانداران غیرانسانی نیز می‌شوند، هرچند موفقیت این دادخواهی به مکان رسیدگی پرونده‌ها و شرایط آن‌ها بستگی دارد (مک‌گراث، ۲۰۰۸) و (هتا، ۲۰۰۹) و (پرستون، ۲۰۱۱).

پرونده‌های دیوان عالی هندوستان در قضاوت در مورد مسائل محیط‌زیستی مربوط به آب‌های آلوده از اصول کلی منافع عمومی حمایت کرده‌اند (مهتا، ۲۰۰۹)، اما تلاش‌های مشابه در استرالیا برای حفاظت از گونه‌های خاص با موفقیت کمتری روبرو بوده است (مک‌گراث، ۲۰۰۸). با این وجود، ویژگی پایدار این نوع دادخواهی این است که میل به بازتولید ایده استقلال انسان‌ها از طبیعت دارد و به جای تکیه بر ارزش ذاتی موجودات غیرانسانی محیط‌زیستی بر منافع شخصی انسان‌ها استوار است (راجرز، ۲۰۱۲).

بهبود قوانین رفاه حیوانات و همچنین اصلاحات قانونی و تصمیم‌های دادگاه در برخی حوزه‌های قضایی که به سمت به رسمیت شناختن گونه‌های خاص به‌عنوان ذیحق (مانند دلفین‌ها، نهنگ‌ها و میمون‌ها) متمایل هستند، دلالت بر گرایش‌های گسترده‌ای به سمت جایگاه حقوقی و قدردانی از آسیب‌های تجربه‌شده توسط موجودات غیرانسانی دارد. تصمیم اخیر وزیر محیط‌زیست، جنگل و تغییرات

اقلیمی هندوستان با این بیانیه که توسط مقام مرکزی حیوانات صادر شده است که «آب‌بازان باید به‌عنوان «اشخاص غیر انسانی» شناخته شوند و در نتیجه باید حقوق مخصوص خود را داشته باشند»، برای ممنوعیت نمایش‌های دلفین‌ها نیز قابل توجه است (بانکرافت و هینچی، ۲۰۱۳).

## ۲- بوم محوری

تعریف بزه‌دیدگی در نهایت به دیدگاه و فلسفه بستگی دارد. برای مثال، بوم‌محوری به دیدگاهی اشاره دارد که محیط‌زیست را جدا از هر ارزش ابزاری یا مفید برای انسان‌ها ذاتا ارزشمند می‌داند (بری، ۱۹۹۹) و (دلوسیا، ۲۰۱۵) و (پرستون، ۲۰۱۱). اساساً، بوم‌محوری بر چندین اصل مهم مبتنی است که به ارزش ذاتی طبیعت (شامل گیاهان و جانوران) مربوط می‌شود (ویلیامز، ۲۰۱۳). حفاظت از محیط‌زیست ممکن است بر اساس یکی یا ترکیبی از مفاهیم حقوق طبیعت (چه به‌عنوان موضوعی ذیحقی یا چیزی قابل حمایت) و وظایف نسبت به طبیعت (ارزش ذاتی آن که بنابراین یک تعهد اخلاقی و وظیفه مراقبت را الزام می‌سازد) باشد (فیشر، ۲۰۱۰).

یک جنبه اساسی بوم‌محوری این است که موجوداتی مانند حیوانات، گیاهان و رودخانه‌ها را به‌عنوان دارندگان بالقوه حقوق و یا اشیایی که سزاوار محافظت از سوی انسان‌ها هستند، در نظر بگیرد، زیرا منافع آن‌ها از نظر فلسفی مهم تلقی می‌شوند، یعنی شایسته احترام و به رسمیت شناختن بیشتر (شلوسبرگ، ۲۰۰۷). این موضوع می‌تواند با رویکردهای رایج حفاظت از محیط‌زیست که بر حقوق انسان‌ها تمرکز دارد و همچنین غالباً محیط‌زیست را در قالب‌های انسان‌محور تعریف می‌کند، در تعارض باشد. انسان‌محوری انسان‌ها و منافع انسانی را بر غیرانسان‌ها و منافع آن‌ها ترجیح می‌دهد (دلوسیا، ۲۰۱۵). از طرفی، بوم‌محوری طبیعت را دارای ارزش ذاتی می‌داند. از دیدگاه انسان‌محورانه، آسیب به محیط‌زیست تنها با ارجاع به ارزش‌های انسانی (مانند اقتصادی، زیبایی‌شناختی و فرهنگی) دارای اهمیت است (لین، ۲۰۰۶).

دیدگاه سه‌جانبه یا ترکیبی عدالت بومی، بر اساس به رسمیت شناختن حقوق و اجتماع توسعه‌یافته منافع غیرانسانی استوار است. برای مثال، قانون اساسی اکوادور که در سال ۲۰۰۸ میلادی تصویب شد، دارای اصولی ناظر به حقوق طبیعت است که ادعا می‌کند «طبیعت یا پاچاماما (ایزدبانویی در تمدن اینکایی که منشاء حاصل‌خیزی است)، جایی که حیات تولید شده است و وجود دارد، حق وجود، پایداری، حفظ

و بازسازی چرخه‌های حیاتی، ساختار، کارکردها و فرایندهای تکاملی خود را دارد». این گونه اعلامیه‌های رسمی شاید باید آرمانی (همچنین الهام‌بخش) خوانده شوند، یعنی در حالی که اهمیت به رسمیت شناختن و تأیید حقوق خاصی را اعلام می‌کنند، راهنمایی‌های مشخص و ملموسی در مورد چگونگی اجرای آن‌ها به بهترین نحو وجود ندارد (والترز، ۲۰۱۱).

با این همه، آن‌ها از این دیدگاه حمایت می‌کنند که: زیست کره و جانداران غیرانسانی ارزش ذاتی دارند که مستقل از ارزش سودمند یا ابزاری آن‌ها برای انسان‌ها است. هنگامی که آن‌ها از جرایم محیط‌زیستی آسیب می‌بینند، زیست کره و جانداران غیرانسانی نیز بزه‌دیده هستند. این آسیب می‌تواند از دیدگاه بوم‌شناختی سنجیده شود؛ نیازی به ارزیابی انسان‌محورانه نیست (پرستون، ۲۰۱۱، ۱۴۳).

حمایت از گسترش حقوق قانونی نسبت به اشیاء طبیعی نیز در چهارچوب حقوق زمین بیان شده است، مثلاً در آن‌جا استدلال می‌شود که همه چیز حق بر بودن و حق بر انجام دادن را به نحوی که منعکس کننده هسته و ویژگی خود باشد، دارا هستند. این مورد شامل موجودات غیرزنده مانند رودخانه‌ها نیز می‌شود. مثلاً، حقوق زمینی به کار گرفته شده نسبت به یک رودخانه شامل مفهوم زیر از حقوق خواهد بود: یک حق اساسی رودخانه (که جایگزین رودخانه مانند حقوق بشر است) حق جریان داشتن خواهد بود. اگر یک بدنه آبی تواند جریان یابد، رودخانه نخواهد بود و بنابراین بستر جریان داشتن (با فرض وجود آب کافی) برای وجود یک رودخانه ضروری است؛ بنابراین، از دیدگاه رودخانه، ساختن سدهای زیاد در مقابل آن و استخراج آب به حدی که جریان آن را به دریا دریا متوقف سازد، نقض حقوق زمینی آن خواهد بود (کولینان، ۲۰۰۳، ۱۱۸).

رویکردهای مختلفی در این الگوی وسیع قابل تشخیص هستند. برای مثال، رویکرد حقوق طبیعت بر جایگاه و وضعیت حقوقی غیرانسان تأکید دارد. رویکرد بوم‌کشی اصولاً ناظر به جلوگیری از آسیب به محیط زیست است (هیگنز، ۲۰۱۰). در نهایت، این ابتکارات تلاش برای ارائه مبنایی قانونی جهت حفاظت پیشرفته از حقوق محیط زیست را پوشش می‌دهند.

رژیم‌های حفاظت از محیط‌زیست ترکیبی از رویکردهای انسان‌محور و بوم‌محور هستند. تاریخ حقوق محیط‌زیست، تاریخ تکاملی ارتقای انسان‌محوری و بوم‌محوری است (پلیزون و ریکتس، ۲۰۱۵). با این وجود انسان‌محوری، درحالی‌که انسان‌ها را بر غیرانسان‌ها ترجیح می‌دهد، می‌تواند درباره طبیعت اظهار نگرانی

اخلاقی نماید. این موضوع می‌تواند شامل مسئولیتی اخلاقی نسبت به طبیعت و همچنین مسئولیت برای طبیعت باشد، هرچند در ساختار منافع انسانی چهارچوب بندی شده باشد (دانلی و بیسپ، ۲۰۰۷) و (فیشر، ۲۰۱۰). حفاظت از محیط‌زیست برای منفعت انسان، به‌طور مثال در توافق‌نامه‌های بین‌المللی مانند اعلامیه ریو مصوب ۱۹۹۲ میلادی قابل مشاهده است که صراحتاً حقوق محیط‌زیستی انسان‌ها را، نه حقوق ذاتی محیط‌زیست را به رسمیت می‌شناسد (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۲). با این وجود، ارزش ذاتی طبیعت نیز در دهه‌های اخیر به‌طور مثال در کنوانسیون تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲ میلادی به رسمیت شناخته شده است. موجودات غیرانسانی به‌طور روزافزون برای ارزش ذاتی و ابزار خود به رسمیت شناخته می‌شوند. حقوق ذاتی طبیعت در قوانین مخصوصی که به تازگی در نیوزیلند تصویب شده‌اند، به رسمیت شناخته شده است. این موارد ناظر به ته اورو (زمین) و ته آوا توپوا (آب) است. قوانین مذکور، این زمین و رودخانه را به‌عنوان دارای مانا<sup>۲</sup> (اقتدار و نیروی جادویی) و ماوری<sup>۳</sup> (نیروی حیاتی) به رسمیت می‌شناسند. این مشابه تحولات در اکوادور و بولیوی است؛ در این جا به منظره یا رودخانه شخصیت داده شده است (خود یک شخص است و نمی‌تواند مملوک شود) و این از طریق قانون‌گذاری تصویب شده است که این جایگاه به عنوان شخصیت حقوقی شناخته می‌شود. این به این معنا است که طبیعت (در مظاهر مختلف آن) به‌عنوان موضوعی درون قانون به رسمیت شناخته می‌شود.

در مورد قانون ته اوره ورا مصوب ۲۰۱۴ میلادی، زمین باید در موقعیت طبیعی خود حفظ شود، گیاهان و حیوانات معرفی شده قلع و قمع شوند و مردم توهوئه و حاکم کشور باید در نقشی نظارتی با یکدیگر همکاری کنند. به‌طور مشابه، قانون ته آوا توپوا مصوب ۲۰۱۶ میلادی به رودخانه وانگانوی شناسایی قانونی اعطاء می‌کند و روش مدیریت مشترکی برای وانانوی ایوی و حاکم کشور فراهم می‌کند. اعطای حقوق به‌طور هم‌زمان شرایط بزه‌دیدگی را فراهم می‌کند، یعنی حقوق می‌توانند نقض شوند و در نتیجه، تخلفاتی علیه ذیحق صورت گیرد. این یک پیشرفت مهم است، اگرچه به استدلال حقوقی صرف برای حمایت از درخواست به رسمیت شناختن غیرانسان‌ها به‌عنوان بزه‌دیدگان آسیب‌زوری نیست (فلین و هال، ۲۰۱۷).

۲- مانا یک نیروی معنوی و مقدس است که افراد، اشیاء و مکان‌های خاصی آن را دارند. از باورهای مردمان جزایر اقیانوس آرام می‌باشد

۳- در تمدن مائوری، به معنای اصول زندگی یا نیروی حیات می‌باشد

### ۳- ابهامات و سلسله مراتب بزه‌دیدگی

برای بررسی اینکه آیا موجود غیرانسانی بزه‌دیده شده است؟ باید فرض کرد که به نوعی موضوع یک آسیب مجرمانه واقع شده است. باین حال، جرم محیط‌زیستی معمولاً در یک زنجیره تعریف می‌شود که از تعاریف قانونی محض تا ایجاد دیدگاه‌های گسترده آسیب را در بر می‌گیرد (بریکنل، ۲۰۱۰).

قطع درختان و استخراج گونه‌ها از اقیانوس فی‌نفسه فعالیت‌های مجرمانه یا ممنوعه از دیدگاه قانون نیستند. این بشر است که چیزی را مجاز یا مسئله‌ساز می‌کند. سنجش آسیب واقعی می‌تواند از طریق تحلیل تاریخی، سابقه قانونی و تحقیق تجربی به دست آید. سنجش آسیب بالقوه بر اساس ارزیابی عدم قطعیت و تخمین‌های احتمال است. تحلیل هزینه-فایده به واسطه شتاب‌زدگی و پذیرش آستانه هدایت می‌شود، یعنی توافق بر آسیب محیط‌زیستی که آگاهانه به وجود آمده است و به دلیل خیر بزرگ‌تر معین شده است؛ بنابراین، هنگام برخورد با مسائل محیط‌زیستی، دادگاه یا مقامات اداری مربوطه (ماموران حیات وحش، نگهبانان پارک و نماینده حفاظت از محیط‌زیست) به‌طور ایده‌آل باید محاسبات مختلف و متنوع آسیب، ریسک و سودمندی را در نظر بگیرند.

آسیب الزاما بزه‌دیدگی نیست، مخصوصاً اگر بزه‌دیدگی با تفسیری سختگیرانه صرفاً نسبت به انسان صورت گیرد. برای مثال، بزه‌دیدگی محیط‌زیستی تحت اشکال خاصی از آسیب تعریف شده است که به واسطه افعال (مانند تخلیه زباله‌های سمی) یا ترک‌فعل‌ها (مانند عدم ارائه آب آشامیدنی ایمن) ایجاد می‌شوند که منجر به حضور یا غیاب عوامل محیط‌زیستی (مانند سموم و مواد مغذی) می‌شوند که با آسیب انسانی مرتبط هستند (ویلیامز، ۱۹۹۶). مدیریت این اشکال بزه‌دیدگی معمولاً عطف بماسبق می‌شود و شامل انواع واکنش‌های حقوقی و اجتماعی است (هال، ۲۰۱۳).

به‌طور مهم بازیگر مرکزی در این تعریف انسان‌ها هستند (نه حیوانات غیرانسانی یا اکوسیستم‌ها). همین را می‌توان در مورد بازمفهوم‌سازی حقوق محیط‌زیست به‌عنوان حقوق بشر گفت، به این معنا که همان مفهوم بر اساس مفاهیم انسانی استوار است. باین حال، قانون امکان حفاظت اندکی برای غیرانسان را همانند انسان فراهم می‌کند. به‌طور مثال این موضوع در قانون‌گذاری‌های ناظر به گونه‌های در معرض خطر و مناطق حفاظت‌شده منعکس شده است (بیتس، ۲۰۱۳).

با این وجود، این دسته‌بندی‌ها به‌طور هم‌زمان ارزش متفاوتی را برای مناظر و مخلوقات مشخص می‌کند؛ بنابراین، آنچه به‌عنوان یک بزه‌دیدگی بالقوه فرض می‌شود، به واسطه تعاریف قانونی مخصوص و ارزش‌گذاری اجتماعی معین می‌شود. برای مثال، در نیو ساوت ولز قانون پارک‌های ملی و حیات وحش مصوب ۱۹۷۴ میلادی طیف گسترده‌ای از اصطلاحات را برای حیوان، پرند، گونه‌های به شدت در معرض خطر (با ارجاع به قانون حفاظت از گونه‌های در معرض خطر مصوب ۱۹۹۵ میلادی) و جانوران تعریف می‌کند.

در مورد آسیب به جانداران حفاظت‌شده و غیر حفاظت‌شده از نظر مکانی، معافیت از پیگرد قانونی مشمول زمانی است که عمل تشکیل‌دهنده جرم به واسطه اختیارات اعطاء شده به واسطه مجوز عمومی، مجوز اشغال‌کننده، مجوز برداشت تجاری جانداران، مجوز نگهداری شترمرغ یا مجوز علمی انجام شده باشد. همچنین مقررات آسیب به جانداران در مواردی که آسیب به آن‌ها برای فروش باشد و تاجران جانداران در رابطه با آسیب برای فروش هر سگ، راسو، روباه، خرگوش صحرائی یا خرگوش یا هر جاندار از هر گونه‌ای که فرماندار اعلام کند که آن جاندار در معرض تهدید بین ایالتی یا گونه‌ها، جمعیت‌ها یا جوامع در معرض تهدید نیست، اعمال نمی‌شود.

به زبان دیگر، وضعیت بزه‌دیدگی کاملاً به مقررات مجوزدهی و نوع خاص حیوانی که شایسته حفاظت در نظر گرفته می‌شود، بستگی دارد. در نتیجه، نحوه توصیف گیاهان و جانداران مستقیماً بر وضعیت آن‌ها به‌عنوان بزه‌دیدگان بالقوه و یا اشیایی که دارای شرایط حفاظت قانونی هستند، تأثیرگذار است. این بیانگر چیزی است که تحت عنوان گونه‌گرایی طبقاتی توصیف شده است که در آن برخی حیوانات با عنایت به سیاست‌ها، قوانین و واکنش‌ها به آسیب نابرابرتر از دیگران هستند (فلین و هال، ۲۰۱۷).

برای توسعه این مفهوم، می‌توانیم موضوع حیوانات غیر انسانی را به‌طور کلی در نظر بگیریم. از دیدگاه عدالت بومی، پرسشی که باید مطرح شود این است که چرا برخی گونه‌ها توسط جوامع انسانی مورد توجه قرار می‌گیرند و برخی دیگر مطلقاً ارزشی ندارند. حیوانات توسط انسان‌ها به روش‌های مختلفی دسته‌بندی و استفاده می‌شوند که از کشاورزی کارخانه‌ای تا استفاده از آن‌ها در آزمایشگاه‌ها را در بر می‌گیرد. معیارهای گوناگون به نحوی اجتناب‌ناپذیر راه‌های مختلفی برای دسته‌بندی گونه‌های مختلف فراهم می‌کنند (هریگ و ژوریت، ۲۰۰۶) و (اوسالیوان، ۲۰۰۹).

صورت اول حیوانات را بر اساس دو معیار اصلی (وحشی یا اهلی) متمایز می‌سازد و در هریک از این

دسته‌ها بر اساس این که حیوان نسبت به نیازهای انسانی چگونه درک می‌شود (خدمت به یا خدمت برای) دسته‌بندی صورت می‌گیرد. این دسته‌بندی‌ها ذاتاً انسان‌محور هستند. یعنی روش‌هایی که حیوانات طبقه‌بندی می‌شوند، بیانگر مداخلات انسانی در طول زمان و تعابیر انسانی از سودمندی است. با وجود این، فارغ از منشاء و ویژگی انسان‌محور آن‌ها چنین توصیفاتی برای سنجش مسائل حقوق حیوانات و رفاه حیوانات آن‌چنان که هم‌اکنون در قانون و شیوه‌های اجتماعی تشکیل شده‌اند، ضروری هستند.

با توجه به استفاده انسان، رفاه حیوان (و حقوق) از نظر گونه و شرایط به نحو متفاوتی محافظت می‌شود. برای مثال، قوانین حفاظت از حیوانات شدیداً با حیوانات همراه اعمال می‌شوند. اما نسبت به خوک‌هایی که برای کشتار نهایی پرورش داده می‌شوند بسیار کمتر محدودکننده هستند. از طرفی، حیواناتی که به‌عنوان آفات شناخته می‌شوند، حقوق اندکی دارند و عمدتاً با خشونت سازمان‌یافته مورد واکنش قرار می‌گیرند. برای مثال، در استرالیا حیواناتی که به‌عنوان آفات وحشی فرض می‌شوند شامل گربه‌ها و سگ‌های وحشی، روباه‌ها، بزها، خوک‌ها، اسب‌های وحشی، خرگوش‌ها، الاغ‌ها، شترها، گاوها، بوفالوها و خرگوش‌ها هستند. تخمین زده می‌شود که دو میلیون و ششصد هزار بز وحشی، یک میلیون الاغ، دویست میلیون خرگوش و سیصد هزار شتر وحشی، در میان سایر حیوانات وحشی وجود دارد (مک‌ایون، ۲۰۰۸، ۳۱).

#### ۴- حیات وحش

اول- گونه‌های معرفی شده (غیربومی): مهاجم/آفت‌ها (همچون وزغ نیشکر در استرالیا)؛ ارزشمند (قزل‌آلا در تاسمانی)؛ نامشخص (شترها و الاغ‌های وحشی در استرالیای مرکزی). دوم- گونه‌های بومی با ارزش ذاتی: پرندگان (وکابورا [خندان ماهی خورک] و طوطی کاکلیان [کاکاتوان])؛ جانوران دریایی (وال‌ها و کوسه‌ها)؛ آبزیان (سبزماهی و مارون)؛ خشکی زیان (کوآلا و کانگورو). سوم- حیوانات وحشی دارای ارزش اقتصادی: در جهت مقاصد سرگرمی (ماهی)؛ غذا (کیوتر دریایی دم کوتاه)؛ بوم‌گردشگری (پرندگان و کروکودیل‌ها)؛ کلکسیون (مارمولک و ماهی حاره‌ای). چهارم- حیوانات وحشی که به‌عنوان تهدید/آفت تلقی می‌شوند: برای کشاورزی (کانگوروها)؛ برای صنعت دامداری (سگ‌های وحشی استرالیایی [دینگوها])؛ برای موج سواری/سرگرمی (کوسه‌ها)؛ برای ماهیگیری با قلاب (اخترماهی).

## ۵- حیوانات اهلی

اول- حیوانات دارای ارزش اقتصادی [بشر به نحوی از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند]: حیوانات مزرعه (خوک‌ها، گاوها و مرغ‌ها) ؛ حیوانات آبری پرورشی (ماهی‌ها، میگوها و صدف‌های خوراکی) ؛ حیواناتی که به منزله ابزار پژوهش‌اند (خرموش‌ها و موش‌ها) ؛ حیواناتی که به نمایش گذاشته می‌شوند (شیرها، ببرها و خرس‌ها). دوم- حیوانات دارای ارزش اقتصادی [حیواناتی که خود خدماتی را برای انسان انجام می‌دهند]: در جهت اجرای قانون (سگ‌ها) ؛ حیوانات صنعتی / باربر (گاو نر و اسب‌ها) ؛ سرگرمی / مسابقه / رودیو<sup>۴</sup> (اسب‌ها و سگ‌ها) ؛ حیوانات بازیگر / سیرک‌ها (میمون‌ها و شیرها). سوم- حیوانات غیراقتصادی [در راستای رسیدن به دیگر اهداف بشر به کار می‌آیند]: حیوانات همدم انسان (گره‌ها، سگ‌ها، ماهی‌حاره‌ای و خرگوش‌ها) ؛ حیوانات همراه در شکار / ورزش (اسب‌ها و سگ‌ها).

خیل عظیم این دست حیوانات به همراه خوی شکارچی‌گری و یا رقابت‌طلبی آن‌ها در برابر گونه‌های بومی به اصلی‌ترین معضل تبدیل شده است. روش‌های متداول و مکانیسم‌های گسترده‌ای که امروزه برای پایش جمعیتی به کار گرفته می‌شوند غالباً با سوءرفتار و خشونت همراه هستند که این امر به طریقی بازتاب‌دهنده مقام پست و نازل جانورانی است که تحت عنوان «رمیده» شناخته می‌شوند. کشتار جانوران متعدد به دست انسان‌ها برای نیل به اهدافی که به ظاهر آشکار می‌نمایند سرانجام به ارزش‌دآوری‌های خاصی منتهی می‌گردند که مانع از شمارش جانوران کشته شده در زمره بزه‌دیدگان می‌شود.

بنا به اظهار بیرن در سال ۲۰۱۴ میلادی، کشتن جانوران به دست انسان‌ها باید ذیل یکی از اشکال تئوریساید جای گیرد. تئوریساید حاکی از آن دسته اعمال و اقدامات گسترده بشر است که منجر به مرگ جانوران می‌شود. درست به مانند کشتن انسانی به دست انسانی دیگر (در مواردی چون قتل، نوزادکشی و زن‌کشی). یک تئوریساید نیز می‌تواند از نظر اجتماعی مقبول یا مذموم، قانونی یا غیرقانونی و عمدی یا غیرعمدی باشد. همچنین، میسر است تا حتی یک خشونت فعال یا یک بی‌توجهی و قصور منفعلانه نیز در زمره مصادیق تئوریساید قرار گیرد. تئوریسایدها می‌توانند به صورت فردی، در گروه‌های کوچک و یا در نهادهای اجتماعی کلان نیز پدیدار آیند.

از جمله حوزه‌های متعددی که زمینه ساز تئوریساید هستند می‌توان به سیستم‌های پرورش فشرده،

۴- نام یک نوع گاوبازی است



شکار، ماهیگیری، قاچاق حیوانات، زنده شکافی جانوران، نظامی گری، آلودگی و تغییرات آب و هوایی ناشی از رفتارهای بشر اشاره کرد. حیوان کشی و حیوان آزاری در سیستم پرورش انبوه حیوانات که برای تولید فرآورده‌های غذایی به کار گرفته می‌شوند ریشه دوانیده است. همچنین، در شرایط اسفناک نگهداری از حیوانات، وضعیت‌های فجیع حمل و نقل آن‌ها (همچون آن چه که در تجارت صادرات زنده دیده می‌شود)، روش‌های زجرآور و اوضاع ناگوار در کشتارگاه‌ها و روی هم رفته بی‌توجهی و بی‌احترامی که نسبت به جانوران موسوم به «حیوانات غذایی» وارد می‌آید به روشنی قابل مشاهده است.

با این همه، در بسیاری از نواحی و بخش‌های کشورهای همچون بریتانیا و استرالیا، این اشکال از تنورساید مشروع تلقی می‌شوند. به عنوان مثال، با وجود مقررات منع رفتارهای ایدایی که تدارک ندیدن بسترهای لازم را برای تحرک کافی حیوانات جرم می‌شناسند، میلیون‌ها راس از گاوها، بزها، گوزن‌ها، خوک‌ها و همچنین طیور از چنین مقرراتی استثناء فرض می‌شوند. از نظر قوانینی که نحوه بهره‌گیری از حیوانات را در آزمایش‌ها و پژوهش‌ها تنظیم می‌کنند، مادامی که رنجش وارده غیرضروری نباشد، اقدامی پذیرفتنی است که شاید چنین متبادر شود که عملاً هرگونه رفتاری نافذ است.

در برخی از نظام‌های حقوقی، افراد بومی که راه و رسم کهن خود را از دیرباز حفظ کرده و گاه گاهی به شکارهای بی‌رحمانه روی می‌آورند تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرند. بایستی خاطر نشان نمود ضمن تمام این موارد، کشتن و معلول‌سازی جانوران با انگیزه‌های مختلف بسیاری و در زمینه‌های گوناگون دیگری نیز رخ می‌دهد که شامل موارد ذیل می‌شود:

اول- بی‌خانمانگی: پناهگاه‌ها اغلب حیوانات را برای یک دوره زمانی خاصی می‌توانند نگهداری نمایند. پس از به سرانجام رسیدن این مدت، آن‌ها کشته می‌شوند. دوم- برای سرگرمی: شامل رویدادهایی چون: جنگ خروس‌ها، جنگ سگ‌ها و تمرینات آماده‌سازی گری هوندا با استفاده از طعمه زنده برای مسابقات و ماهی‌گیری تفریحی است. سوم- برای غذا: جدای از پرورش انبوه حیوانات و دامداری صنعتی، یک سری از تشریفات خاص مذهبی تجویز شده برای نحوه کشتن حیوانات که ذاتاً ممکن است خشونت بار و مشکل آفرین باشند نیز خودنمایی می‌کنند. چهارم- برای اهداف نظامی و پلیسی: به خطر انداختن سگ‌ها و دیگر حیوانات در جنگ و در عملیات‌های غیرنظامی پلیسی. پنجم- برای گردآوری مجموعه: قاچاق و اسارت غیرقانونی حیوانات خارق‌العاده و و نحوه رفتار کارکنان و عامه مردم در باغ

وحش‌ها و سیرک‌ها. ششم- برای لذت: سوءاستفاده از حیوانات جهت ارضای میل جنسی همچون نزدیکی با حیوانات و شامل هرزه‌نگاری حیوانی که شامل به تصویر کشیدن فعالیت‌های جنسی میان انسان‌ها و حیوانات است. هفتم- برای خدمت و فروش: نگهداری و پرورش جانوران در مقیاس‌های کلان به‌عنوان مثال مانند آن‌چه که در مزرعه توله‌سگ‌ها که در آن تعداد بسیار زیادی از حیوانات قرنطینه می‌شوند تا جفت‌گیری و فروش توله‌های آنان را به حداکثر برسانند، دیده می‌شود. این نمونه‌ها و موارد بی‌شمار دیگر گویای آن است که چه بسیار خوی و خصلت بسیاری از حیوان‌کشی و حیوان‌آزاری‌ها نهادینه شده است.

پرسش‌های دیگری نیز می‌توانند درباره بهره‌گیری از حیوانات در نقش‌های خدماتی از جمله در نهادهای اجرایی عدالت کیفری (سگ‌های دادگستری که به همراه کودکان حضور پیدا می‌کنند و نیز برنامه‌های حیوان‌درمانی که برای زندانیان تدارک دیده می‌شود) مطرح شوند. با لحاظ رفاه، حقوق، درد و رنج بالقوه‌ای که می‌تواند به این حیوانات تحمیل شود، نگرانی‌های معقولی راجع به درستی یا نادرستی و نیز چگونگی بهره‌گیری حیوانات در این موقعیت‌ها وجود دارد. مخصوصاً به دلیل هیجان‌ناپذیر بودن موجود در زمینه‌های عدالت کیفری و این نکته که این هیجان‌ناپذیری چگونه می‌تواند بر رفاه جانوران غیرانسان اثر بگذارد. جانوران به طرق مختلفی مورد بهره‌کشی و آسیب قرار می‌گیرند، به صورت‌های متفاوتی از آن‌ها مراقبت و همین‌طور به اشکال متفاوتی به آن‌ها بها داده می‌شود و تمام این موارد، تحت سرپوش مشروعیت و قانونیت روی می‌دهد. این موضوع حکایتگر وجود سلسله‌مراتبی از بزه‌دیدگان، به‌ویژه در میان بزه‌دیدگان زیست‌محیطی است.

چنین سلسله‌مراتبی را در آثار تانیا ویات نیز می‌توان یافت. وی پژوهشگری است که «برساخت اجتماعی یک بزه دیده قاچاق حیات وحش» را از دریچه انسان‌محورانه مورد مطالعه قرار می‌دهد. جرم‌شناسی سبز (زیست‌محیطی) تا همین اواخر کمتر پیرامون حیوانات غیرانسان و زیست‌کره‌های خاص در قیاس با منافع و رفاه بشر ابراز نگرانی کرده است. در این باب، کاوش در آموزه‌های بزه‌دیدہ‌شناسی انتقادی سودمند خواهد بود. این آموزه‌ها چنین بیان می‌دارند که در زمره بزه‌دیدگان بودن یا در آمدن از نظر اجتماعی همواره همراه با سوء‌گیری است.

همان‌گونه که این امر درباره بزه‌دیدگی زیست‌محیطی (سبز) همچون آسیب به حیوانات غیرانسان

صادق است، به دیگر انواع از تعدیات و تجاوزات نیز قابل تعمیم می‌باشد. در واقع، ارائه تعریف فراخ‌تری از بزه دیدگی زیست محیطی، تلویحا نشان از ورود غیرانسان‌ها به معادله اخلاقی دارد. تفکرات سرچشمه گرفته از مبانی اکولوژیکی (بوم‌شناختی) در پیرامون حقوق و عدالت، بشر را تنها عنصر سازنده این اکوسیستم پیچیده می‌داند و تنها او است که بایستی محض خودش [بدون هیچ چشم‌داشتی] پاس داشته شود. حقوق محیط زیست نیز از چنین نظری طرفداری می‌کند.

اسمیت در سال ۱۹۹۸ میلادی اظهار می‌نماید که در واقع با گسترش جامعه اخلاقی، ما در حال تسری ارزش ذاتی به دیگر مخلوقات و دیگر موجودات طبیعی هستیم. نه به‌عنوان چیزهایی که اسباب مرتفع‌سازی حوائج بشر، بلکه به‌عنوان موجوداتی که فی‌نفسه، خود‌غایت‌اند. به تعبیر اخلاق‌گرایانه، هر مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی بایستی چنین وظایفی را در قبال حیوانات غیرانسان، خشکی، جنگل‌ها، بیشه‌زارها، اقیانوس‌ها، کوهستان‌ها و بیوسفر قائل شود. این رویکرد به مفاهیمی تأکید می‌ورزد که بیان‌کننده در هم تنیدگی انسان و وظایف او با جهان حیوانات غیرانسان است. تمامی جانوران به گونه‌ای در پیوند با یکدیگر هستند و مسائل زیست محیطی اساساً مسائلی جهانی و فرامرزی‌اند.

عدالت زیست محیطی در جست‌وجوی طریقی است که با بهره‌آز آن بتواند تعاملات انسان با محیط پیرامون خویش را که متضمن آسیب‌های بالقوه‌ای برای مخلوقات و مکان‌های خاص و به‌طور کلی برای زیست کره است، ارزیابی کند. نیل به چنین مقصودی مستلزم واکاوی انتقادی رفتار مداخله‌گرایانه انسان در امور جهان طبیعی است.

## ۶- ارزیابی هزینه‌های بزه دیده بودن

حال بایستی که واقعاً این سلسله مراتب موجود از قربانیان را به کلی از پای بست ویران کنیم و با این همه اوصاف اظهار داشته باشیم که تمامی موجودات با یکدیگر برابر هستند؟ آیا چاره مقابله با رفتار ناعادلانه و تبعیض‌آمیز در قبال موجودات غیرانسان زیست محیطی آن است که به سادگی رهیافت «برابری بزه دیدگان» را اتخاذ نماییم و خطی مشی‌ها و اعمال خود را بر پایه آن بناسازیم؟ حال اگر چنین است، چگونه از این رویکرد در شرایط عینی و در معضلات برخاسته از موقعیت‌های خاص، بهره‌بیریم؟

قائل شدن شان و منزلتی چون «بزه دیده»، مسلماً در شناخت جریاناتی که در آن‌ها آسیب‌های زیست

محیطی وارده، هم بر بشر و هم بر غیرانسان‌ها تأثیر می‌گذارد، نقش حیاتی ایفاء می‌کند. باری چنین امری مستلزم بررسی و نشان دادن مخلوقات و محیط‌ها در موقعیت‌ها و بسترهای زیست محیطی خاص خودشان و نیز مستلزم تحقیق در پیامدها و فعالیت‌های معاصر انسان از وادی تاریخ و جغرافیا است. چالش اصلی که بزه دیده‌شناسی زیست محیطی (سبز) با آن روبرو است آن است که ابزارهای مفهومی و علمی پدید آورد که از رهگذر آن بتوان ارزش و آسیب را اندازه‌گیری، مقایسه و ارزیابی کرد. همواره کشمکش‌هایی میان منافع و حقوق انسان‌ها، اکوسیستم‌ها (بوم‌سازگان) و گونه‌های جانوری و گیاهی وجود دارد. چگونگی ارائه پاسخی درخور به چنین معماهایی، تکلیف اصلی بزه دیده‌شناسی سبز در آینده است. به‌عنوان مثال، اگر بزه دیدگی را با دید صرف انتزاعی مورد واکاوی قرار دهیم، این امر تنها سبب استحکام بخشی تعاریف انعطاف‌ناپذیر و مواضع مطلق‌گرایانه خواهد شد (مانند بشر در اولویت قرار دارد، زمین از هر چیز مهم‌تر است و هر گونه آسیب به حیوانات مذموم است).

این مسئله شدیداً می‌تواند مانع از توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در رابطه با موقعیت‌های خاص شود. به‌عنوان مثال، یک رویکرد مطلق‌گرایانه ممکن است چنین تجویز نماید که بشر تحت هیچ گونه شرایطی اختیار ندارد تا در حیوانات دست ببرد. این دیدگاه پایه و مبنای یک رویکرد حق‌محور پرمایه‌ای را تشکیل می‌دهد که در جهت برچیدن استعمار حیوانات از طریق ایجاد تغییر در مبانی حقوقی و غیرحقوقی و همچنین برای قائل شدن حقوقی قانونی برای جانوران، استدلال‌هایی را بیان می‌دارد. تمام تلاش این رویکرد در راستای آن است که شاخصه مال بودن جانوران را از قانون بزداید و آن‌ها را به‌عنوان موجوداتی که دارای حقوقی قانونی هستند، بشناساند.

مقصود آن است که روند بهره‌کشی از حیوانات غیرانسان هم درباره محصولات آن‌ها (همچون شیر، تخم مرغ و پشم) و هم در رابطه با حیات شان (موقعی که برای گوشت شان کشته می‌شوند) از پای بایستد. هرگونه مسموم‌سازی، تله‌گذاری یا شکار، حتی در مواقعی که بتوان چنین رفتاری را این گونه توجیه نمود که گونه خاصی در حال تجاوز به دیگر گونه‌ها است، همچنان رفتاری نکوهیده قلمداد

می‌شود (مثل تلاش‌هایی در راستای نابودسازی روبه‌ها در تاسمانی). در واقع وگانیزم<sup>۵</sup> اساس سیاست‌های [این رویکرد] قرار می‌گیرد و برای تک تک افراد حیوانی حقوق اخلاقی قائل می‌شود (سوارد، ۲۰۰۸).

همین جا است که فرانسویون در سال ۲۰۰۸ میلادی استدلال می‌نمایند که دیدگاه حقوق حیوانات در پی براندازی تمامی بهره‌هایی است که انسان از جانوران می‌برد. موضع براندازانه، هم با استفاده از مفاهیم نظری قوانین را رد می‌کند (حتی بهره به گونه‌ای شرافتمندانه و صحیح از حیوانات، از نظر مبانی اخلاقی توجیه‌ناپذیر است) و هم از طریق موجبات عملی آن را و می‌زند (قوانین موجود نه تنها به گونه‌ای درخور از منافع حیوانات دفاع نمی‌کنند بلکه حتی پذیرش اجتماعی همچنان جای بهره‌گیری از حیوانات را تسهیل می‌کنند). مجدداً راه‌حل در قامت وگانیزم ظاهر می‌شود که به معنای حذف گوشت، لبنیات، تخم مرغ، عسل و دیگر فرآورده‌های جانوری از برنامه غذایی است و یا به معنای نپوشیدن یا استفاده نکردن از فرآورده‌های جانوری یا محصولاتی است که بر روی حیوانات آزمایش می‌شوند.

همان طور که ریگان در سال ۲۰۱۰ میلادی خاطرنشان کرده است، معضلات تکرار شونده‌ای که حقوق حیوانات با آن مواجه می‌شوند شامل پرسش‌هایی است در این رابطه که مرز متمایزکننده میان حیوانات از جمله انسان‌ها و دیگر جانوران از یکدیگر کجا باید ترسیم شود؟ به عبارت دیگر، کدام دسته از حیوانات مستحق برخورداری از همان حقوق و احترامی است که به انسان‌ها اعطاء شده است؟ یک پاسخ آن است که حقوق بنیادی شامل آن دسته از حیوانات می‌شود که دارای یک زندگی ذهنی یکپارچه بوده و در تعاملات خود با جهان پیرامون شان از آن بهره می‌برند. به تعبیری آن حیواناتی که در مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی، حسی و ارادی با انسان‌ها مشترک هستند. این حیوانات نه تنها می‌توانند بشنوند، درد را حس کنند و لذت ببرند، بلکه قادر هستند نیز گذشته را به یاد آورند، آینده را پیش‌بینی کنند و از روی قصد به گونه‌ای رفتار نمایند تا آن چه را که مطلوب شان هست را از آن خود کنند. آن‌ها

۵- وگانیزم گیاه‌خواری مطلق یک روش تغذیه و زندگی است که هدف آن حذف هر نوع فرآورده جانوری چه در غذا و چه در مواد مصرفی است؛ به عبارت بهتر، آنان تنها محصولاتی را می‌خورند که در زمین برویند و سبز شوند و از خوردن محصولاتی همچون گوشت، لبنیات، تخم مرغ، عسل و غیره که در زمین سبز نمی‌شوند، خودداری می‌کنند. مهم‌ترین دلایل وگان (گیاه‌خوار مطلق) شدن افراد (کسانی که به وگانیزم اعتقاد دارند) مسائل اخلاقی یا رعایت حقوق جانوران، حفاظت از محیط زیست و حفظ سلامتی است.

تنها یک سازوکار زیستی نیستند بلکه علاوه بر آن از زندگی نامه‌ای نیز برخوردار هستند.

اگرچه واضح است که کپی‌های بزرگ واجد شرایط مرقوم در نوشتار بالا هستند، اما با این حال این موضوع در رابطه با مقام ماهی‌ها از قبیل سالمون مسلماً بیشتر بحث برانگیز خواهد بود. اخیراً مؤسسه خیریه‌ای به نام «بنیاد مردمی رعایت اصول اخلاقی در برابر جانوران»<sup>۶</sup> کمپین‌هایی را به منظور رفعت بخشیدن به منزلت ماهی‌ها ترتیب داده که در نوع خود بسیار چشمگیر هستند (از برخی جهات مشابه با فرایند اعطای شخصیت انسانی از طریق بازنمایی انسان انگارانه آن‌ها). این امر عمدتاً از طریق راهبرد بازتعریف ماهی‌ها به عنوان «بچه گربه‌های دریایی» صورت می‌گیرد. احتمالاً با این پیش فرض که مردم کمتر به خوردن یک موجود ملیح و دوست داشتنی تمایل نشان خواهند داد. با تمام این اوصاف، دیگر چه کسی خواهان آن خواهد بود که یک «بچه گربه دریایی» را به قلاب بیاویزد؟ این امر بخشی از یک اقدام گروهی است که دو هدف دارد: اول ارائه تصویری مثبت از ماهی‌ها تا مردم را از خوردن آن‌ها به عنوان غذا باز دارد و دیگر آن که آن‌ها را در شکل و قامت جدیدی بنمایاند.

تلفی هم سنگی اخلاقی میان گونه‌ها، امکان دارد با اقتضانات حیاتی و واقعی جوامع انسانی در تقابل افتد. از دریچه حقوق حیوانات، مصرف گوشت آن‌ها امری مشکل‌زا است و به عنوان عامل یک آسیب اجتماعی جدی قلمداد می‌شود. با این حال، در عرصه عمل چه پاسخی شایسته می‌نماید که در محضر آن افرادی که از دیرباز ماهی را به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین‌کننده پروتئین مصرف می‌کرده‌اند داشته باشیم؟ اعمال و گانیسم در محیط‌های منطقه‌ای همچون توندرا شمالگان و صحراهای استرالیا که افراد این مناطق طی هزاران سال با مصرف طیف گسترده‌ای از منابع پروتئین من جمله حیوانات گذران کرده‌اند، چه مقدار واقع بینانه خواهد بود؟

سنجش‌های موقعیت مدار، «مداخله» را مقوله‌ای متغیر و نسبی می‌انگارند و مفهوم «شایسته‌گرایی» را در قلمرو بستر اجتماعی و اکولوژیکی خاص هر موقعیت مورد تحلیل قرار می‌دهند. بر اساس انگاره‌های اخلاق زیست محیطی، در پاره‌ای از موارد اتخاذ سیاست عدم مداخله یا شیوه مدیریتی عدم میانجیگری،

الزامی است. جانوران در محیط وحش مطابق با روند انتخاب طبیعی زیست می‌کنند و یکپارچگی گونه‌ها برآمده از همین فشارهای گزینشی است. اقدام‌های مداخله جویانه تصنعی انسان، توفیری به حال تمامی افراد گونه‌ها نخواهد کرد، هرچند امکان دارد در رابطه با یک گاومیش یا یک نهنگ کارساز آید (رولستون، ۲۰۱۰، ۶۰۴).

با این حال، درباره این ضابطه اخلاقی، ممکن است تجدیدنظری صورت گیرد. به همین ترتیب در مواردی که پای یک گونه در معرض خطر در میان است نیز می‌توان از آن بهره‌نگرفت. وظیفه ما در قبال حیات وحش تنها منحصر به تک تک افراد گونه‌ها نیست، بدین معنی که زمانی می‌توان گفت شتافتن به سوی نجات تک تک افراد گونه‌ها اقدامی اخلاقی است که آن‌ها تنها بازماندگان یک گونه خاص باشند (رولستون، ۲۰۱۰، ۶۰۵). به‌طور کلی، چنین گمان می‌رود که هریک از افراد گونه‌های جانوری که در محیط وحش زیت می‌کنند، حق اخلاقی نسبت به مراقبت و حمایت از سوی انسان‌ها را ندارند، حتی در شرایطی که چنین مداخلاتی برای تضمین بقاء و استمرار حیات آن‌ها ضروری باشد. افزون بر این، حتی در یاری جستن از ما از جهت دفاع از آن‌ها در برابر دیگر درندگان شکارچی نیز وجود ندارد.

اقدام به نجات و پاسداری از گونه‌های در معرض خطر، مستلزم سبک‌های نوینی از تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است، اما از طرفی دیگر لزوماً بحث معضلاتی را به میان می‌کشند که در پیوند با آسیب‌های وارده به آحاد حیوانات و گونه‌ها مطرح می‌شوند. در اوان قرن بیستم میلادی گرگ‌ها در پارک ملی یلواستون به کلی نیست و نابود شدند، حال مجدداً در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی در این پارک احیاء گشتند. بازگشت آن‌ها اعتراض برخی را از میان دامپروران برانگیخت. بنا به اعتقاد اغلب مدافعان، چنین بازگشتی حاصل وظیفه‌شناسی بود که نسبت به گرگ به‌عنوان یک گونه احساس می‌شد. افزون بر آن، این واقعیت که گرگ‌ها به لحاظ تاریخی در صدر شکارگران اکوسیستم یلواستون قرار داشتند و مجدد نیز بایستی به چنین جایگاهی بازمی‌گشتند نیز تأثیرگذار بود.

از طرفی دیگر، طرفداران [حقوق] محیط زیست بدین نتیجه رسیدند که گرگ‌های دردرساز را بایستی به مکان‌های دیگر جابجا یا حتی بعضاً آن‌ها را معدوم نمود و باور دارند که سر به نیست‌سازی چند

راس گرگ در عوض دوام گونه گرگ‌ها امری معقول است. حاصل چنین برخوردی آن می‌شود که گرگ‌هایی که به شکار گوسفندان یا گاوها که حتی طعمه‌های طبیعی آن‌ها نیستند، روی می‌آورند را حذف و از دامپروران در برابر خسارات محافظت می‌کند. در الگوی پیشنهادی تلفیق طبیعت و فرهنگ، اگر خواهان بقای گرگ‌ها هستیم باید آن‌ها را بکشیم. چنین دیدگاهی می‌تواند مایه انزجار مدافعان حقوق حیوانات باشد. همان کسانی که معتقد به قداست حیات جانوران نه به‌عنوان امتیازی مشروط بلکه به‌عنوان ارزشی مطلق هستند. همان‌گونه که توسط شماری از نویسندگان مورد مذاقه قرار گرفته است، ارزیابی رفتارهای آسیب‌زای انسان از قبیل نقش چشمگیری وی در گزند به زیستگاه جانوران و تجزیه آن که اثر خود را بر بهزیستی حیوانات باقی می‌گذارد، اغلب به نتایج حاصل از این گونه رفتارها پیرامون جمعیت یک گونه خاص محدود می‌شود (موضوعات مرتبط با خطر انقراض).

توجهات کمتر به پیامدهای روندهای کلان و [کل نگر] بر بهزیستی افراد گونه‌ها معطوف می‌شود. تنها گرگ‌های سرکش نیستند که ممکن است به چنین سرانجامی گرفتار آیند. ترجیح منطق حفاظت از گونه‌ها بر احترام به تک تک حیوانات در برخی موارد منجر به کشته شدن جانوران بدون هیچ دلیل و توجیه روشنی می‌شود. به‌عنوان مثال در نروژ، به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته جهت حفاظت از گونه در معرض خطر روباه قطبی، این اقدامات با کشتار آن افراد جانوری که با طرح‌های اصلاح نژادی موجود هم‌خوانی نداشته‌اند همراه شده است. مرگ آن‌ها لازمه تحقق غایت آشکاری نبوده لیکن ارزش ذاتی آن‌ها (یا فقدان آن) در اقدامات اتخاذ شده در جهت کشتن شان متجلی شده است.

تأکید بر بقای جمعی، خط بطلانی است که بر حق حیات و احترام بایسته تک تک جانوران کشیده می‌شود. اکثر اهتمام فعالان حقوق حیوانات درست به مقابله با سلسله مراتب موجود بر پایه ارزش جانوران معطوف شده و نیز آن‌ها بر آن هستند تا ارزش ذاتی نهادینه در حیوانات را برجسته‌تر سازند. با تکیه به این قواعد، رسالت بزه‌دیده‌شناسی سبز آن است که با دقت منافع بشر و غیر او را، در هر یک از بسترهای خاص اکولوژیکی و اجتماعی [به‌طور جداگانه] مورد ارزیابی قرار دهد. بنیسون در سال ۲۰۱۰ میلادی خاطر نشان می‌کند که تعارض منافع زیست بوم‌ها، انسان‌ها و دیگر جانوران بایستی نه تنها از منظر معیارهای اخلاقی



(همچون حقوق و رفاه حیوانات) ارزیابی شود بلکه باید با بهره از سنج‌های اکولوژیکی نیز به آن توجه نمود که نیل به چنین غایتی مستلزم ملاحظه زیست بوم به عنوان یک کل یکپارچه است (بنیسون، ۲۰۱۰).

این گونه بحث شده است که: تصمیم به نابودسازی جانوران اهلی که فرار کرده و به شکل جمعیت‌های وحشی غیربومی که از نظر اکولوژیکی مخرب هستند، بدل شده‌اند، تنها زمانی اولویت دارد که بتوان این اقدامات را از لحاظ علمی، فرهنگی، نژادشناختی و موازین اخلاقی توجیه کرد. این توجیه نیز بایستی با قصد محافظت، مثلاً گونه‌ای در منطقه‌ای که آن گونه بخت ناچیزی برای بازماندن دارد همراه باشد و دیگر آن که تنها با این تضمین می‌توان چنین اقداماتی را روا دانست که این جانوران غیرانسان به گونه‌ای کشته شوند که به آن‌ها اندک رنجی تحمیل نشود. گرفتن جان هر موجود زنده‌ای، به تعبیری بازتاب‌دهنده فقدان ارزش ذاتی آن‌ها است و انکار چنین ارزشی در هریک از جانوران نباید کم اهمیت پنداشته شود (بنیسون، ۲۰۱۰، ۱۹۵).

آن چه که باید ارزیابی شود تنها نوع و میزان آسیب وارده به انسان‌ها، زیست بوم‌ها و حیوانات نیست بلکه بایستی نوع و میزان آسیب‌های وارده در مناطق خاص (همچون فضا‌های جهانی) و چگونگی تأثیر این صدمات بر انسان‌ها، زیست بوم‌ها و دیگر حیوانات در طول زمان نیز مورد مذاقه قرار گیرد (وایت، ۲۰۱۳).

تحلیل دقیق و عمیق موقعیت‌های متعلق به انسان‌ها و غیرانسان‌ها، نمونه‌هایی از بزه دیدگی مشترک را آشکار می‌سازد. مواردی همچون تغییرات آب و هوایی، صید غیرقانونی و آلودگی هوا که در آن بسیاری از گونه‌های متعدد و اکوسیستم‌ها به طریقی تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند. همچنین، نمونه‌هایی از بزه دیدگی خاص وجود دارد از قبیل مواردی که در رابطه با برخی از گیاهان یا گونه‌های آسیب پذیر مطرح می‌شود که به دلیل دورافتادگی [و عدم دسترسی آسان به آن‌ها] و یا به دلیل اقدامات گسترده صورت گرفته بشر در جهت بی‌ارزش و بی‌اهمیت‌سازی گونه‌ها، ممکن است به آن‌ها کوچک‌ترین وقعی نهاده نشود. همان‌طور که در رابطه با آسیب و صدمه و در برخی موارد درد و رنج وارد به انسان‌ها، تفاوت‌هایی در سطوح و مدت استمرار آن‌ها وجود دارد، حیوانات و پدیده‌های طبیعی نیز از چنین تفاوت‌هایی برخوردار هستند.

## نتیجه

در پایان، از نگاه رویکرد بوم محورانه قائل شدن ارزش و بها ذاتی برای موجودات زیست محیطی غیرانسان، امری خطیر و ضروری است. با این حال، این موضوع حاکی از آن نیست که به تبع آن استفاده ابزاری انسان از این موجودات بی‌اهمیت تلقی می‌شود. بی‌گمان امری پذیرفتنی و منطقی است که بشر را در طبیعت درحالی که ناگزیر دارد از آن در جهت مقاصد خود بهره می‌جوید بنگریم. چنان که در برخی از تفاسیر اشاره شده استدلال به گونه‌ای دیگر، در خوش بینانه‌ترین حالت بیانی متناقض نما و در بدترین حالت امری بیهوده توصیف گشته است. به‌عنوان مثال، جنبه‌های ذاتی و ابزاری قانون اساسی اکوادور از طرفی شامل حکمی است که اشعار می‌دارد: «این حق طبیعت است که مورد احترام بشر قرار گیرد» و از طرفی دیگر اظهار می‌نماید که بشر مکلف به احترام به طبیعت و درعین حال مستحق آن است که از طبیعت بهره ببرد.

مع هذا استفاده ابزاری از طبیعت امکان دارد تحت تأثیر ملاحظات بوم محورانه قرار گیرد. همچون ایجاد کمترین آسیب در اثنای فرایند بهره‌گیری از طبیعت. چنان که اگر سلی در سال ۱۹۹۲ میلادی متذکر می‌شود: بشر به همان اندازه که دیگر گونه‌ها حق حیات و رشد دارند، مستحق زیستن و بالندگی است و این امر به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، مستلزم آن است که گاه گاهی کشتار، تحمیل رنج و مداخله‌ای در حیات و زیستگاه دیگر گونه‌ها رخ دهد. با این همه افرادی که رویکرد بوم محورانه را اتخاذ می‌کنند، آن زمان که می‌خواهند دست به انتخاب بزنند، جویای آن هستند تا روندی را برگزینند که چنین آسیب‌هایی را به حداقل برساند و حداکثر فرصتی را که از رهگذر آن طیف حتی المقدور گسترده‌ای از موجودات زنده و اجتماعات (از جمله ما انسان‌ها) می‌توانند در حد خود به شکوفایی و رشد نائل گردند را فراهم سازد.

در دل بوم محوری عقیده‌ای جای گرفته که بیان می‌نماید موجودات زیست محیطی غیرانسان همگی از ارزش ذاتی برخوردار هستند. به طوری که ارزش ذاتی دلالت بر ارزش اخلاقی یا بهایی دارد که یک چیز آن را در نفس خود یا به خودی خود دارا است. از این لحاظ امکان دارد که آن چیزی که برخوردار از ارزش ذاتی است، به‌عنوان غایت فی نفسه در نظر گرفته شود و از این رو دست کم لایق برخوردار از حقی گردد که خودش باشد. بزه دیده‌شناسی سبز درحالی که با معضلات ناشی از بزه دیدگی موجودات

زیست محیطی غیرانسان (از جمله درختان، رودخانه‌ها و حیوانات) و همچنین آسیب‌های وارده به آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، بایستی چنین ملاحظاتی را در اولویت کار خود قرار دهد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

<p>بزه دیدگان قاجاق محیط زیست که بیشترین شایستگی را دارند</p> <p>بزه دیدگان قاجاق محیط زیست که کمترین شایستگی را دارند</p>	بزه دیدگان زیرمجموعه هریک از این دسته‌ها	دسته‌های کلی از بزه دیدگان
	افرادی که به وسیله حیات وحش امرار معاش می‌کنند	انسان‌ها
	صاحبان مال و دارایی	
	محیط بانان	
	بیماری ناشی از مصرف [سل؟]	
	شکارچیان غیرقانونی	دولت
	مورد هجوم گونه‌های معرفی شده	
	کشورهای روبه رشد در حال بهره برداری از حیات وحش	
	فاسد[دولت‌های رشوه خوار]	حیوانات غیرانسان
	بزرگ زیباگان کاریزماتیک	
	حشرات	
	درختان	گیاهان
	گل‌های کلکسیونی (که ارکیدها از این دست هستند)	
	دیگر گیاهان	محیط زیست
	کانون‌های حساس * شناخته شده	
کانون‌های حساس		
مناطق با تنوع زیستی کمتر		
اقلیم‌های کمتر شناخته شده یا ناشناخته		

شکل شماره ۱. سلسله مراتب بزه دیدگان از دریچه انسان محورا

## منابع

## فارسی

- وایت، راب، ۱۴۰۳، دیباچه در حقوق محیط زیست، امین حاجی وند و نوید زمانه قدیم، چاپ اول، تهران - انتشارات سفیر اردهال.

## لاتین

- Anderson, E., 2004, Animal rights and the values of nonhuman life. In: Sustain C and Nussbaum M (eds). Animal Rights: Current Debates and New Directions. Oxford: Oxford University Press.
- Bancroft- Hinchey, T., 2013, India: Dolphins declared non- human persons. Pravda, 5 August.
- Bates, G., 2013, Environmental Law in Australia. Sydney: LexisNexis Butterworths.
- Beirne, P., 2014, Theriocide: Naming animal killing. International Journal for Crime, Justice and Social Democracy 4 (3).
- Bennison, R., 2010, Ecological inclusion: Unity among animals. In: Bekoff M (ed.) Encyclopedia of Animal Rights and Animal Welfare. Vol. 1. Santa Barbara, CA: Greenwood Press.
- Berry, T., 1999, The Great Work: Our Way into the Future. New York: Harmony/Bell Tower.
- Bricknell, S., 2010, Environmental Crime in Australia. AIC Reports. Research and Public Policy Series 109. Canberra: Australian Institute of Criminology.
- Cazaux, G., 1999, Beauty and the beast: Animal abuse from a non- speciesist criminological perspective. Crime, Law and Social Change 31 (2).
- Council of Europe, 2012, Manual on Human Rights and the Environment. Brussels: COE.
- Cullinan, C., 2003, Wild Law: A Manifesto for Earth Justice. New York: Siber Ink and Green Books.
- Davies, P., Francis, P. and Greer, C., 2017, Victims, Crime and Society: An Introduction. London: SAGE Publications.
- De Lucia, V., 2015, Competing narratives and complex genealogies: The ecosystem approach in international environmental law. Journal of Environmental Law 27 (1).
- Donnelly B and Bishop, P., 2007, Natural law and ecocentrism. Journal of Environmental Law 19 (1).
- Eckersley, R., 1992. Environmentalism and Political Theory: Toward an Ecocentric Approach. New York: State University of New York Press.

- Fattah, E., 2010, The evolution of a young, promising discipline: Sixty years of victimology, a retrospective and prospective look. In: Shoham S, et al. (eds) *International Handbook of Victimology*. Boca Raton, FL: CRC Press.
- Fisher, D., 2010, Jurisprudential challenges to the protection of the natural environment. In: Maloney M and Burdon P (eds) *Wild Law – in Practice*. London: Routledge.
- Flynn, M. and Hall, M., 2017, The case for a victimology of nonhuman animal harms. *Contemporary Justice Review* 20 (3).
- Francione, G., 2008, *Animals as Persons: Essays on the Abolition of Animal Exploitation*. New York: Columbia University Press.
- Francione, G., 2010, Law and animals. In: Bekoff M (ed.) *Encyclopedia of Animal Rights and Animal Welfare*. Vol. 2. Santa Barbara, CA: Greenwood Press.
- Graham, H. and White, R., 2015, *Innovative Justice*. London: Routledge.
- Hall, M., 2013, *Victims of Environmental Harm: Rights, Recognition and Redress Under National and International Law*. London: Routledge.
- Hamilton, M., 2008, Restorative justice intervention in an environmental law context: *Garrett v Williams*, prosecutions under the Resource Management Act 1991 (NZ), and beyond. *Environmental Planning and Law Journal* 25.
- Hamilton, M., 2014, Restorative justice intervention in an Aboriginal cultural heritage protection context: Conspicuous absences? *Environmental Planning and Law Journal* 31.
- Herbig, J. and Joubert, S., 2006, Criminological semantics: Conservation criminology – vision or vagary? *Acta Criminologica* 19 (3).
- Higgins, P., 2010, *Eradicating Ecocide: Laws and Governance to Prevent the Destruction of Our Planet*. London: Shephard- Walwyn Publishers Ltd.
- Hillyard, P. and Tombs, S., 2007, From ‘crime’ to social harm? *Crime, Law and Social Change* 48 (1).
- Lin, A., 2006, The unifying role of harm in environmental law. *Wisconsin Law Review* 3.
- McEwen, G., 2008, *The Challenge Posed by Feral Animals*. Sydney: Australian Law Reform Commission.
- McGrath, C., 2008, Flying foxes, dams and whales: Using federal environmental laws in the public interest. *Environmental Planning and Law Journal* 25.
- Mehta, MC., 2009, *In the Public Interest: Landmark Judgements and Orders of The Supreme Court of India on Environment and Human Rights*. Vols 1–3. New Delhi: Prakriti Publications.
- Merchant, C., 2005, *Radical Ecology: The Search for a Liveable World*. New York: Routledge.
- O’Sullivan, S. 2009, Australasian animal protection laws and the challenge of equal consideration. In: Sankoff P and White S (eds) *Animal Law in Australasia*. Sydney:

# Legal Civilization

ISSN: 2873-1841  
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

- Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law  
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani
- A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law  
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari
- Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws  
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions  
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi
- Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice  
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri
- Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law  
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi
- Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England  
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali
- Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach  
Narges Abolmasoomi
- Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention  
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law  
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh
- Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New Classical Criminological Dialog  
Masoud Akbari
- A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law  
Saeed Johar
- Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication  
Mahsa Mahmoudi
- Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents  
Amin Reza Bahar Falamarzi
- Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism  
Ali Asghar Asgari
- A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)  
Vahid Kioumarsi
- Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions  
Mahdi Gharedaqi
- Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence  
Davoud Salmanpour, Yaghoub Taheri, Hosein Zarei
- International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges  
Sepideh Ahmadian Fard
- Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States  
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuy Alvar, Mohammadali Jahani
- Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System  
Ayoub Rahimi
- Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)  
Hossein Akbarpa
- Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court  
Mohammadreza Afrasiabi
- The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption  
Sayyed Bahman Akbari
- Various Means of Enforcement in International Law  
Mahdi Rezaei Asrami
- Green Victimology and Non-Human Victims  
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi
- [inprotected.com](http://inprotected.com)